



گفت وگو با محسن عسگریان درباره نقش مشهد در موسیقی محلی خراسان، نقاط ضعف و قوت آن

موسیقی محلی در خون مردمان این خطه است

دیگر استان دارد، اما مهم ترین خواسته یک نوازنده، یعنی اجرا، در آن برآورده نمی شود یا به سختی ممکن می شود که آن هم به صورت «اجرای پژوهشی» است. گفت وگویی با محسن عسگریان مختصری درباره پیشینه خانوادگی و انگیزه های ماندگاری در مشهد است. در ادامه پرداخته ایم به ظرفیت هایی که این شهر برای موسیقی محلی خراسان دارد و می تواند داشته باشد و همچنین نقد هایی که به آن وارد می داند. کشش نسل نو- اعم از دختر و پسر- به موسیقی محلی خراسان و امید به حفظ و ارتقای این میراث توسط آنان، موضوعی است که گفت وگو با آن به پایان می رسد.

یکجانشین شود و مشهد را برای ساکن شدن انتخاب کرد. کوچ نشینی نقش مهمی در نوازندگی ذوالفقار عسگریان داشت؛ دم خور شدن با مردمان نقاط مختلف خطه خراسان از او نوازنده ای یکه ساخت که هم به موسیقی شمال و هم جنوب خراسان مسلط بود. محسن عسگریان که خودش هم مانند پدر و پدربزرگش در مشهد ساکن است می گوید: «از دلایل ماندگاری پدرش در این شهر این بود که مرکزیت مشهد، گنجایش و امکان بیشتری برای معرفی موسیقی خراسان داشته است. به نظر او مشهد هنوز ظرفیت بالایی دارد، و هم در بحث آموزش و هم ضبط آثار شرایط خوبی نسبت به شهرهای

مجید خاکپورا موسیقی محلی در خراسان حکم میراث خانوادگی را هم دارد که بسیار دیده شده از پدر به پسر می رسد. خاندان عسگریان از خاندان هایی است که این سنت در آن سبقه ای طولانی دارد. محسن عسگریان می گوید او دهمین نسل و پسرش یازدهمین نسل این خاندان هستند که دوتار از دستشان نیفتاده است. ذوالفقار عسگریان از شما استادان بزرگ موسیقی محلی خراسان بود که در مشهد ساکن شد. البته پیش از او پدرش بود که تصمیم گرفت پس از سال ها کوچ نشینی،

گفت وگو روز

خراسان است و خراسانی ها متوجه می شوند که چه چیزی داری اجرا می کنی. این موسیقی در خون این مردان است و می داند چیست. این خیلی فرق می کند با جای دیگر که با این موسیقی آشنایی ندارند. یک مثال بزنم؛ ما دوم و سوم مهر سال گذشته در تالار فردوسی جهاد دانشگاهی مشهد اجرایی داشتیم با آقای وصال علوی. که هم سنتی و هم پاپ می خوانند. ما وقتی قطعه «سرو خرامان» را اجرا کردیم، بیشتر مخاطبانی که داخل سالن بودند گفتند منتظر همین اجرا هستیم. «سرو خرامان» یکی از کارهای خراسانی است و مخاطبش هم می داند این چیست. حب، حسنی که ایجاد می شود هم برای مایی که اجرایی کنیم فرق می کند هم برای مخاطبی که می شنود.

نوازنده باید بتواند تحریرهای آوازخوان را اجرا کند، و آن «ریز» هم که در خاندان عسگریان بود، برای بقیه نوازندگان مشکل بود چون کار نکرده و بیشتر پنجه نوازی کار کرده بودند.

موسیقی در خاندان شما مانند یک میراث بوده و از نسلی به نسل دیگر منتقل شده، شما چندمین نسلی هستید که این میراث به او رسیده است؟ ۹ نسل قبل از من نوازنده بودند، من می شوم نسل دهم و پسرم ابوالفضل می شود نسل یازدهم.

با اینکه مشهد خاستگاه موسیقی مقامی نیست و تجمع استادان و بزرگان نوازنده و خواننده این موسیقی بیشتر در شهرهایی مانند تربت جام، خواف یا قوچان است، اما ذوالفقار عسگریان با تمام ظرفیت و توانی که داشتند که به بخشی از آن اشاره کردید، مشهد را برای زندگی دائم انتخاب کردند. این چه ظرفیت یا زمینه ای برای کار موسیقی داشت که پدر شما در نهایت و پس از زندگی در شهرها و نقاط مختلف خراسان، آن را برای ماندگار شدن انتخاب کردند؟ البته پدرم چند سالی هم در محمودآباد تربت جام ساکن بوده اند. این موضوع برمی گردد به قبل از تولد ما. همان جا با مادرم آشنا می شونم که بعد داستانی می شود و می روند کاشمر. حب، مشهد مرکز خراسان بزرگ است و استاد هم این شهر را انتخاب کرد که بتوانند این موسیقی را بهتر به خراسانی ها بشناساند و بهتر بتوانند در حیطه خودش موفق باشد. مشهد گنجایش بهتری داشت. آن زمان هم خوب بوده. اما متأسفانه الان، در سال های اخیر نمی توانیم از این موسیقی آن طور که باید استفاده کنیم. الان متأسفانه در مشهد از موسیقی نه حمایتی هست و نه اجرایی در این شهر داریم که حداقل برای بچه های موسیقی مقامی منبع درآمدی باشد. اما از لحاظ هنرجو و بحث آموزش خوب است. یعنی مشهد شهری است که برای تدریس خوب است و برای اجرا نه. من همین الان برای موسیقی خراسان زیاد کار ضبط می کنم. کارهایی که برای واحد موسیقی صداوسیماست. اما خیلی چیزها هم هست که جایش خالی است که مهم ترینش بحث اجراست که اجازه نمی دهند یا به سختی اجازه می دهند.

با اینکه مشهد خاستگاه موسیقی مقامی نیست و تجمع استادان و بزرگان نوازنده و خواننده این موسیقی بیشتر در شهرهایی مانند تربت جام، خواف یا قوچان است، اما ذوالفقار عسگریان با تمام ظرفیت و توانی که داشتند که به بخشی از آن اشاره کردید، مشهد را برای زندگی دائم انتخاب کردند. این چه ظرفیت یا زمینه ای برای کار موسیقی داشت که پدر شما در نهایت و پس از زندگی در شهرها و نقاط مختلف خراسان، آن را برای ماندگار شدن انتخاب کردند؟ البته پدرم چند سالی هم در محمودآباد تربت جام ساکن بوده اند. این موضوع برمی گردد به قبل از تولد ما. همان جا با مادرم آشنا می شونم که بعد داستانی می شود و می روند کاشمر. حب، مشهد مرکز خراسان بزرگ است و استاد هم این شهر را انتخاب کرد که بتوانند این موسیقی را بهتر به خراسانی ها بشناساند و بهتر بتوانند در حیطه خودش موفق باشد. مشهد گنجایش بهتری داشت. آن زمان هم خوب بوده. اما متأسفانه الان، در سال های اخیر نمی توانیم از این موسیقی آن طور که باید استفاده کنیم. الان متأسفانه در مشهد از موسیقی نه حمایتی هست و نه اجرایی در این شهر داریم که حداقل برای بچه های موسیقی مقامی منبع درآمدی باشد. اما از لحاظ هنرجو و بحث آموزش خوب است. یعنی مشهد شهری است که برای تدریس خوب است و برای اجرا نه. من همین الان برای موسیقی خراسان زیاد کار ضبط می کنم. کارهایی که برای واحد موسیقی صداوسیماست. اما خیلی چیزها هم هست که جایش خالی است که مهم ترینش بحث اجراست که اجازه نمی دهند یا به سختی اجازه می دهند.

در این اواخر اجراهای پژوهشی در مشهد کمی رونق گرفته بود. شما برای همین اجرای پژوهشی هم با مشکل مواجه هستید؟

می شود کار کرد. اما آن چیزی که مد نظر ما هست، نمی شود. آن کاری که می توانیم خیلی قوی تر کنیم را مجبوریم طور دیگری اجرا کنیم.

متوجه منظورتان نشدم. کار قوی تر یعنی چی؟ کار قوی تر یعنی اینکه کارهای جدید اجرا کنیم و نوآوری داشته باشیم. اما متأسفانه همچنین چیزی ممکن نیست و باید همان کارهایی که از قبل مجوز گرفته، همان کارهایی که از قبل شنیده شده را اجرا کنیم.

یعنی اجازه اجرای کار جدید را نمی دهند؟ نه متأسفانه. با باید باز برای آن ها هم هماهنگی انجام شود یا باید برای بعضی کارها از هفت خان رستم رد شوی تا برسی به آن موضوع. مراد مسئولان از اجرای پژوهشی یعنی همین که باید کارهایی که از قبل شنیده و مجوز گرفته را اجرا کنیم.

پس اتفاق خلاقانه ای نمی افتد؟ نه، نوآوری ممکن نیست.

بحث مهم دیگر، بحث ضبط کردن مقام های پرشمار و مختلف خراسان و نوازندگی استادان مختلف است. طبیعتا مشهد نسبت به شهرهای دیگر استان ظرفیت و امکانات بیشتری برای کار دارد. آیا این اتفاق افتاده است؟

بله. این را هم باید بگویم که ما خداروشکر دوستان خوبی داریم که برای موسیقی مقامی دلسوزند و پیگیر کارهای ضبطی هستند و آلبوم هایی از استادان مختلف ضبط و ثبت کرده اند که برخی از آن استادان الان در بین ما نیستند. این کارها هم در مشهد ضبط شده است.

گویا پدر شما سازی قدیمی داشتند که پیشنهاد شده بود آن را در موزه بگذارند. می توان به این موضوع کمی گسترده تر نگاه کرد و ایده موزه موسیقی محلی خراسان در مشهد را مطرح کرد. نظرتان درباره این موضوع چیست؟

گویا پدر شما سازی قدیمی داشتند که پیشنهاد شده بود آن را در موزه بگذارند. می توان به این موضوع کمی گسترده تر نگاه کرد و ایده موزه موسیقی محلی خراسان در مشهد را مطرح کرد. نظرتان درباره این موضوع چیست؟

بله. این را هم باید بگویم که ما خداروشکر دوستان خوبی داریم که برای موسیقی مقامی دلسوزند و پیگیر کارهای ضبطی هستند و آلبوم هایی از استادان مختلف ضبط و ثبت کرده اند که برخی از آن استادان الان در بین ما نیستند. این کارها هم در مشهد ضبط شده است.

اما گویا در نسل های قبل خیلی این حق را برای خانه ها قائل نبودند که دوتار دست بگیرند. فکرهای نسل قبلی فرق می کرد. اما بعد به روز رفتند و فهمیدند فرقی بین زن و مرد

گویا پدر شما سازی قدیمی داشتند که پیشنهاد شده بود آن را در موزه بگذارند. می توان به این موضوع کمی گسترده تر نگاه کرد و ایده موزه موسیقی محلی خراسان در مشهد را مطرح کرد. نظرتان درباره این موضوع چیست؟



نگاهی بر ۳ کتاب در حوزه نقد فیلم که به کوشش محمدجعفری گردآوری شده است **شاهکارهای ماندگار سینمای جهان به انتخاب منتقدان ایرانی**

خادم | محمدجعفری، مستندساز و منتقد باسابقه سینما که نقدهای او بیشتر در مجلات سینمایی از جمله ماهنامه «فیلم» و «فیلم امروز» منتشر شده است. از سال ۱۴۰۲ پروژه ای را آغاز کرده که در آن به معرفی شاهکارهای سینمای جهان از دید منتقدان ایرانی داخل و خارج از کشور می پردازد. او برای انتخاب «شاهکارهای سینما» سراغ شماری از منتقدان سینمای ایران از نسل های مختلف رفته و از آنان خواسته فیلم های محبوب خودشان را اعم از داستانی، مستند، پویانمایی، تجربی یا کوتاه با توجه به جغرافیای موردنظر معرفی کنند. از این مجموعه تاکنون چهار کتاب با عنوان های «یازده شاهکار ماندگار سینمای فرانسه»، «دوازده شاهکار ماندگار سینمای ایتالیا»، «یازده شاهکار ماندگار سینمای اروپای شرقی» و «سیزده شاهکار ماندگار سینمای آمریکای لاتین» منتشر شده است. علاوه بر نقد و پیش از آمدن آن ها، معرفی مختصری از عوامل، خلاصه ای از داستان و پوستر فیلم موردنظر آمده است. تازه ترین اثر یعنی «سیزده شاهکار ماندگار سینمای آمریکای لاتین» اواخر سال گذشته منتشر شد که به همین بهانه مروری داریم بر این مجموعه.

● شاهکار ماندگار سینمای فرانسه

فرانسه زادگاه سینماست و برخی از محبوب ترین و مهم ترین فیلم ها و فیلم سازان، منتقدان و سینما دستان جهان، فرانسوی هستند. می توان گفت سینمای فرانسه در کنار سینمای آمریکا شناخته شده ترین و تأثیرگذارترین سینمای دنیاست. سینمای فرانسه طی ۱۲۵ سال از لومیر تا ژان پیر ژونه تقریبا همیشه در شکستن قواعد سنتی سینما پیشگام بوده و از دیرباز آن را محل بروز نوآوری و بدعت های سحرانگیز در سینما می شناسند. نوآوری هایی که با موج نو شروع شد منکبی را ایجاد کرد که نسل های مختلف فیلم سازان در سراسر دنیای ر ادامه دادند. تکنیک هایی مانند فیلم برداری خارج از استودیو و استفاده از نابازبگرا، تکنیک دوربین روی دست و بسیاری از ساختار شکنی های دیگر برآمده از موج نوی سینمای فرانسه هستند. فیلم های نقد شده در این کتاب، از این فرزند: «بول»، «حفره»، «ژوهم بزرگ»، «سرنوشت شگفت انگیز املی بولن»، «یک محکوم به مرگ گریخته است»، «چهار صدمه»، «هیروشیما عشق من» و «سال گذشته در مارین باد»، «سامورایی» و «از نفس افتاده» در پایان هم فهرست برگزیدگان ۴۶ منتقد چاپ شده است.



● ۱۲ شاهکار ماندگار سینمای ایتالیا

سینما در ایتالیا، فراز و فرودهای زیادی داشته است. در اوایل دهه ۰۰ میلادی با ظهور فاشیسم در ایتالیا، نوعی سینما از طرف حکومت ترویج شد که ارتباطش را از واقعیت بریده و دغدغه اش ترویج تصاویر جعلی از ایتالیا بود. در دهه ۳۰ و ۴۰ یعنی در دورانی که آمریکا و اروپا شاهد عرضه آثار شاخص سینمایی هستند، در ایتالیا تنها فیلم های سفارشی و فرمایشی موسوم به تلفن سفید تولید می شد. پس از جنگ جهانی دوم، ایتالیا درگیر فقر، تورم و بیکاری گسترده شد و از دل چنین فضا و تحت تأثیر چنین شرایطی، جنبش سینمایی تحت عنوان «نئورالیسم» در این کشور شکل گرفت که آینه ای تمام نما از جامعه ایتالیا پس از جنگ بود و با محوریت قرار دادن طبقات محروم و فرودست



جامعه، سعی در نزدیک شدن هر چه بیشتر به واقعیت داشت. نگاه بی پرده و مستندگونه به زندگی روزمره بدون دستکاری و تجملات، وفاداری حداکثری به واقعیت بیرونی، تصویرسازی های سیاه و سفید و اغلب ساده و استفاده از مکان ها و لوکیشن های واقعی برای فیلم برداری و ساخت فیلم، از ویژگی های جنبش نئورالیسم ایتالیا بود. در دهه ۶۰ بسیاری از فیلم های هالیوودی در آنجا ساخته شد، در دهه ۷۰ نسلی از فیلم سازان خلاق و تازه نفس ایتالیا با به عرصه میدان گذاشته و با رویکردی متفاوت از پیشینیانشان، دست به خلق آثار خود زدند. تا سال ۲۰۲۲ فیلم های ایتالیایی ۱۳ بار و بیش از هر کشوری برنده جایزه اسکار بهترین فیلم خارجی شده، «دزد دو چرخه»، «سینما پارادیزو»، «هشت و نیم»، «جاده»، «آگران دیسمان»، «روکو و برادرانش»، «خوب، بد، زشت»، «زندگی زیباست»، «یک روز به خصوص»، «مالنا» و «کسوف». دوازده شاهکار ماندگار سینمای ایتالیا به انتخاب منتقدان ایرانی است.

● شاهکار ماندگار سینمای اروپای شرقی

بدون تردید، چند فیلم از سینمای کشورهای اروپای شرقی در رتبه های بالای فهرست بهترین فیلم های هر عشق قبلی جا دارد. در نقد هایی که در کتاب «یازده شاهکار ماندگار سینمای اروپای شرقی» آمده، تأثیر ایدئولوژی ها، جنگ ها و نظام های سیاسی و چگونگی آن بر سینماگران و آثارشان مشهود است. برخی از این فیلم ها دادنامه هایی هستند علیه مایند این منطقه که با گذر از یکی از وحشتناک ترین جنگ های تاریخ معاصر و درگیری های داخلی، نسل کشی های دهشتناکی از خود به جا گذاشتند. اتفاقات هولناکی که بیشتر آن ها ثمره ایدئولوژی هایی بودند که زندگی چند نسل از مردمان این سرزمین را نابود کرد. فیلم هایی مانند «چهار ماه و سه هفته و دو روز»، «آیدا» و «اسب تورین» اثر نسل های جدید تر فیلم سازان اروپای شرقی نیز شرح زندگی شخصیت های محنت زده و در خود فرو رفته ای است که قربانی قساوت نظام های توتالیتر حاکم هستند. در این میان، کریشتف کیشلوفسکی در سه گانه درخشانش «آبی»، «قرمز» و «سفید» با گریز زدن به عشق، منطقی از راهی مردم سرزمینش از این دردها و تمام نشدنی به تصویر می کشد. عشقی که هر چند آغشته به انواع تردیدها و بدگمانی هاست اما پیشنهاد شرافتمندانه ای از سوی یک فیلسوف سینماست. «زیر زمین»، «چاقو در آب»، «خاکسترها و العاس ها»، «۴ ماه و ۳ هفته و ۲ روز»، «فیلمی کوتاه در باره عشق»، «آبی»، «قرمز»، «آیدا»، «سرخ و سفید»، «سرزمین هیچ کس» و «اسب تورین» یازده فیلمی هستند که منتقدان ایرانی به آن ها پرداخته اند. فیلم هایی که نه تنها بر تاریخ سینما اثر گذاشته اند بلکه در کار ما از تحولات منطقه ای و جهانی نیز عمیق تر کرده اند.



● شاهکار ماندگار سینمای آمریکای لاتین

کشف قاره آمریکا و سیل مهاجرت اروپایی ها به این قاره به اختلاط نژادی فرانیده ای منجر شد که در نهایت، هویت ظهوری به اسم آمریکای لاتین شکل گرفت و تأثیرات عمیقی بر زندگی بومیان این قاره به جا گذاشت. رد پای این دوره در سینمای نوین کشورهای آمریکای لاتین از دهه ۶۰ قابل مشاهده است. در سال ۱۹۴۶ امیلیو فرناندز، کارگردان مکزیکی، به شکل شگفت آوری برای فیلم «ماریا کاندالایا» برنده نخل طلای جشنواره فیلم کن شد که اولین بار بود یک کشور آمریکای لاتین به چنین اعتباری دست می یافت. در کوبا دولت فیدل کاسترو با تأسیس انستیتو هنر و صنعت سینمای کوبا، سینمای انقلاب را کلید زد. کاربردی ترین شیوه دولت کوبا برای انتشار انقلاب خود به کشورهای

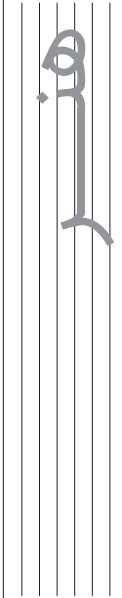


آمریکای لاتین، سینما بود و امواج انقلاب کوبا خیلی زود به دیگر کشورهای آمریکای لاتین سربایت کرد. در آستانه سال ۲۰۰۰ و با کمربند شدن گرایشات مارکسیستی در نسل جدید فیلم سازان آمریکای لاتین، الخاندرو گونسالس اینیاریتو فیلم ساز مکزیکی به عنوان یکی از پرافتخارترین کارگردانان این خطه با فیلم هایش پیشنهادهای جدیدی در نوع نگاه به فیلمنامه و کارگردانی مقابل سینما گذاشت که موج تازه ای در سینمای این قاره بود و برای مجموعه فیلم هایش به دفعات جوایزی از آکادمی اسکار و جشنواره فیلم کن دریافت کرد. در «سیزده شاهکار ماندگار سینمای آمریکای لاتین»، فیلم های «شهر خدا»، «عشق سگی»، «بابل»، «روما»، «داستان های وحشی»، «راز چشمانشان»، «خاطرات موتورسیکلت»، «ایستگاه مرکزی»، «نبرد شبلی»، «نامه هایی از ماروسیا»، «هزارتوی پن»، «کوه مقدس» و «خدا و شیطان در سرزمین خورشید» انتخاب و نقد شده اند.

پی نوشت: برای معرفی این مجموعه از معرفی پشت جلد کتاب استفاده شده است.



SHAHIRANNEWS.IR
شهرخبر
شماره: ۲۷۳
تلفن: ۰۲۱-۸۸۸۸۸۸۸۸
پست: ۱۳۱۳۱۳۱۳
۴شنبه



دو تار بازی محسن عسگریان در کارگاه تخصصی کارگاه نوازندگان خورشید آینه موسیقی محلی خراسان در کاشمر